



ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)

بهرام سیاوش پور^۱، مجتبی شادلو جهرمی^۲، زهره مولایی رامشه^۳

Arch.mojtaba@gmail.com

چکیده

حس تعلق به مکان را می توان رابطه ای عاطفی و پر معنا بین شخص و مکان توصیف کرد، پیوندی احساسی که مردم آن مکان را به عنوان قرارگاهی برای بازگشت بدان ارزشمند بدانند. در حقیقت احساس تعلق به مکان شاخصی است که از طریق آن می توان میزان متمایز بودن آن مکان را برای مردم، نسبت به دیگر مکان ها سنجید. مسلم است که این تمایزات حاصل جمعی از عوامل مادی و معنوی شامل محیط محیط کالبدی و معماری، محیط اجتماعی و نوع فعالیت ها، سطح فرهنگ و تاریخ، ابعاد شخصی و روانشناسانه (ادراک، شناخت و احساس) می باشد. لذا با در نظر گیری تمام ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق، می توان به یک دسته بندی کلی تر شامل عوامل درون فردی و برون فردی دست یافت. در تحقیق حاضر، ابعاد شخصی (فرد) تشکیل دهنده حس تعلق که شامل عامل ادراک، شناخت و احساس است را عاملی درون فردی دانسته، و ابعاد محیط کالبدی و اجتماع (دیگران) را از عوامل برون فردی تأثیر گذار بر حس تعلق می دانیم و در آخر با بسط دادن هر یک، میزان و چگونگی هر یک از این عوامل را بر شکل گیری حس تعلق به مکان را تبیین می کنیم.

کلمات کلیدی: حس تعلق به مکان، عامل کالبدی، ادراک و شناخت، عامل درون فردی و برون فردی

^۱-عضو هیئت علمی و رئیس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه حکیم سبزواری Bsiavashpor@yahoo.com

^۲-دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه حکیم سبزواری Arch.mojtaba@gmail.com

^۳-دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه حکیم سبزواری zohre_molaei@yahoo.com



۱- مقدمه

«تعلق مکان به عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه های مکانی برقرار می کنند تعریف می شود، جایی که آن ها تمایل به ماندن دارند و جایی که آن ها احساس راحتی و امنیت دارند.» (Hidalgo & Hernandez in Kamalipour ۲۰۱۲: ۴۵۹). «توان (Tuan) مکان را فضایی تعریف می کند که معنادار شده است؛ آنچه که به عنوان فضای نا متمایز است، هنگامی که آن را بهتر بشناسیم و به آن ارزش عطا کنیم، به مکان تبدیل می شود. تعلق به کار رفته در این زمینه می تواند به عنوان رابطه ای عاطفی بین مردم و چشم انداز تعریف شود، که فراتر از شناخت، رجحان یا قضاوت می رود.» (Sharpe & Ewert ۲۰۰۰: ۲۱۸). احساس تعلق مفهومی است که در مرحله توصیف، به ابعاد و عوامل تشکیل دهنده آن قابل تجزیه است، اما در مرحله ادراک درکی کلی از محبت و عاطفه نسبت به مکان است که شاید حتی برای شخص قابل وصف و بیان نباشد.

با این اوصاف در تفکیک ابعاد مختلف تشکیل دهنده حس تعلق، با توجه به آنچه که در ادبیات محققین این حوزه آمده است، ابعاد متفاوتی از محیط فیزیکی و معماری محیط گرفته تا عوامل روانشناسانه شخص و اجتماع، در ایجاد حس تعلق به مکان سهیم اند. «تعلق مکان پیوندی است بین یک فرد یا گروه و مکان، که بر اساس سطح فضایی، درجه اختصاصی بودن، و ویژگی های اجتماعی یا کالبدی مکان، متغیر است و از طریق احساس، شناخت، و فرایندهای روانشناسانه رفتاری، آشکار می گردد.» (Scannell & Gifford ۲۰۱۰: ۵).

در گفتار حاضر با تأکید بر ابعاد کالبدی، اجتماعی و بعد روانشناسانه ادراک و شناخت شخص، این ابعاد را در دو دسته عوامل درون فردی و برون فردی ایجاد کننده حس تعلق، تقسیم بندی می کنیم. لذا روشن است که عامل های درون فردی عواملی هستند که از درون شخص حس تعلق را کنترل کرده و به بعد روانشناسانه ادراک و شناخت مربوط اند. همچنین عامل برون فردی نیز از محیط خارج بر شخص تأثیر می گذارند مانند بعد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی.

۲- هدف و روش انجام تحقیق

هدف از انجام این تحقیق تبیین معنای حس تعلق به مکان و ابعاد تشکیل دهنده آن است، به طوری که در یک همگرایی از ادبیات این واژه عوامل شکل دهنده آن را در یک دسته بندی کلی گرد آوریم تا بر جایگاه عامل کالبدی و معماری به عنوان عاملی مهم تأکید شود. در این تحقیق کوشیده شده است که با بهره گیری از ادبیات موجود در این حوزه، و با بیانی تحلیلی-توصیفی چگونگی تأثیر این عوامل بر شکل گیری



حس تعلق، به مکان به عنوان درکی کلی متشکل از جمیع عوامل درونی و بیرونی را روشن ساخته و در نهایت با ارائه دیاگرام های تحلیلی عوامل کالبدی، شناختی و اجتماعی تقویت کننده آن را تبیین کنیم.

۳- ابعاد مختلف حس تعلق به مکان

۳-۱ دسته بندی سه وجهی از حس تعلق به مکان

در تحقیقی که اسکانل و گیفورد (Scannel & Gifford) انجام داده اند، در یک دسته بندی جامع حس تعلق را حاصل یک سازماندهی سه وجهی "شخص- فرایند- مکان" می دانند که در جدول زیر به کلیتی از آن اشاره شده است (جدول ۱).

جدول ۱: سازماندهی سه وجهی تعلق به مکان (شخص- فرایند روانشناسانه- مکان). [۹]

در سطح فردی، شامل پیوندهایی شخصی است که فردی به یک مکان دارد. برای مثال، تعلق مکان برای محیط هایی که خاطرات شخصی را بر می انگیزند قوی تر است، و این نوع از تعلق به مکان چنین تصور می شود که با یک احساس نسبت به خود همراه است.	سطح فردی	بعد شخصی تعلق به مکان (Person)
تعلق مکان شکل گرفته در گروه، در فرهنگ ها، جنسیت ها، و مذاهب مختلف آزموده شده است. برای مثال، تعلق به عنوان یک فرایند عمومی توصیف شده است، که در آن گروه ها به مکان هایی که در آنجا عادت کرده اند و بدینسان فرهنگشان محفوظ می ماند، تعلق یافته اند	سطح گروهی	بعد فرایند روانشناختی تعلق به مکان (psychological process)
وابستگی شخص- مکان بدون شک شامل یک ارتباط احساسی به یک مکان خاص است. جغرافی دانان انسان گرا، تعلق پذیری مکان را در واژگانی احساسی توصیف می کنند. توان (Tuan) برای مثال، واژه "topophilia" یا "عشق به مکان" را برای این ارتباط ابداع کرد، و رلف (Relph) تعلق مکان را به عنوان یک پیوند قابل اعتماد و احساسی با یک محیط، که نیازی اساسی از انسان را تأمین می کند.	احساس و عاطفه (affect)	



<p>پیوند شخص- مکان همچنین شامل عناصر شناختی می باشد. خاطرات، عقاید، معانی، و دانشی که افراد با محیط های مرکزی خود همراه می کنند، آن ها را اصالتاً مهم می کنند. تعلق مکان به عنوان شناخت، شامل ساختن و پیوند با معنی مکان می باشد، همچنین شناخت هایی که نزدیکی به مکان را تسهیل می بخشد.</p>	<p>شناخت</p>	
<p>وجه سوم از بعد روانشناختی تعلق مکان، سطح رفتاری است که در آن تعلق از طریق فعالیت ها بیان می شود. مانند تعلق بین فردی، تعلق مکان بوسیله رفتارهای حفظ مجاورت نمایان می شود و " یک پیوند عاطفی مثبت بین یک فرد و مکانی خاص، شاخصه ای مهم که نزدیکی به این چنین مکانی را حفظ می کند".</p>	<p>رفتار (behavior)</p>	
<p>شاید مهمترین بعد تعلق مکان، خود مکان است. چه چیزی پیرامون مکان است که ما را جذب می کند؟ این بعد در مقیاس های جغرافیایی مختلف آزموده شده است، اتاقی در خانه، یک شهر، یا جهان، و از نظر نوع، در دو سطح تقسیم می شود: تعلق مکان کالبدی و اجتماعی. هایدالگو و هرناندز (Hidalgo & hernandes) سطوح اجتماعی و کالبدی تعلق مکان را در سه سطح فضایی مختلف (خانه، محله، و شهر) سنجیده اند.</p>	<p>بعد مکانی تعلق به مکان (Place)</p>	

۲-۳ دسته بندی کالبدی- اجتماعی تعلق به مکان

در دسته بندی دیگری که کمالی پور و همکارانش انجام داده اند، حس تعلق را به دو بعد کالبدی و اجتماعی تقسیم کرده و آن ها را از دو منظر تأثیرات مثبت و منفی این ابعاد تقسیم کرده اند. بدین ترتیب هریک از دو بعد کالبدی و اجتماعی، از جهتی تقویت کننده حس تعلق اند و از جهتی دیگر مانع از رشد آن به شمار می آیند. در جدول زیر به این تقسیم بندی اشاره شده است. (جدول ۲).

جدول ۲: دسته بندی کالبدی- اجتماعی مؤثر بر حس تعلق. [۶]

ارزش عامل	بعد(کالبدی- اجتماعی)	عامل
مثبت	کالبدی	پایداری کالبدی، پایداری عملکردی، ویژگی های منحصر به فرد، تطبیق فعالیت ها، آسایش، فضای باز، امنیت، دسترسی، سرزندگی، تنوع، خوانایی.
مثبت	اجتماعی	مدت اقامت، تعداد آشنایان، تملک به دارایی، معروفیت مکان، برخورد های روزانه، خصوصی سازی کالبدی، اعتقادات و مذاهب، مالکیت عمومی، رفتار های عمومی، کنترل اجتماعی، ترس کم از تبهکاری.
منفی	کالبدی	توسعه ی نامناسب، تغییر محیط کالبدی، تغییر نوع کاربری، تغییر فعالیت ها، بی معنایی، جهانی سازی فرمی، جهانی سازی اقتصاد، استاندارد سازی.
منفی	اجتماعی	جهانی سازی فرهنگی، رشد تبهکاری، تضعیف هویت، نبود مشارکت عمومی، مهاجرت.

بررسی ادبیات پیرامون حس تعلق به مکان چنین می نمایاند که اندیشمندان این حوزه از چهارچوب های مختلفی این بحث را پی گرفته اند و این تفاوت در نگرش، دسته بندی هایی را در قلمرو حس تعلق می طلبد. از جمله این ابعاد که بویژه در روانشناسی محیطی مورد توجه واقع شده است را می توان: بعد اجتماعی، بعد احساسی و شناختی و بعد کالبدی نام برد که در ادامه بحث به توضیحاتی چند از این ابعاد پرداخته خواهد شد.

۳-۱ بعد اجتماعی حس تعلق به مکان

برخی حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان دانسته و آن را عامل اصلی در شکل گیری این حس می دانند. «از نگاه این رویکرد، حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی می باشد که در محیط صورت می پذیرد. بر اساس این رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه های مشترک اجتماعی است که انسان ها با درک و رمزگشایی آن ها با محیط خود به تعامل می



رسند.» (جوان فروزنده و مطلبی ۱۳۹۰: ۳۰). «تعلق مکان همچنین به عنوان عاملی قوی از منابع سرمایه اجتماعی یک شخص، بنیان نهاده شده است. در اینجا نشانه هایی وجود دارد که افراد بیشتر به مردمی که با یک مکان شریک اند تعلق دارند تا مکانی با موجودیت فیزیکی.» (Livingston & Bailey and Kearns ۲۰۰۸: ۱۰).

یادآوری انسان از مکان نوعی یادآوری خویشتن است و در اینجا تصاویر ذهنی از پیش شکل گرفته نسبت به یک مکان، آن را معنادار کرده و به آن هویت می بخشد. «مکان زمانی معنا پیدا می کند که درکی حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود به جای گذاشته باشد. در مجموع مکان (کالبد+فعالیت) و تصویر ذهنی که از آن باقی می ماند در شکل دادن هویت محل زندگی و انسان از مؤثرترین عوامل هستند.» (حبیبی ۱۳۸۷: ۴۷).

هویت مکان و شخص، عاملی است که شخص را ابتدا از طریق روابط اجتماعی و آشنایی با دیگران به مکان متصل می کند. به عقیده برخی ابتدا تعلق به اجتماع و در قالب نام یک گروه اجتماعی (خانواده، محله، شهر و...) شکل می گیرد و سپس تعلق به مکان در قالب هویت مکان و نام یک مکان بروز می کند. کریستوفر اسپنسر (Spenser)، در ادبیات خود پیرامون روانشناسی رشد به این نکته اساسی اشاره می کند. «او ابتدا بیان داشت که هویت های شخصی و اجتماعی تا اندازه ای از طریق عضویت گروهی شکل گرفته، و تمایزات اجتماعی گروه، اغلب با مکان همراه است، به طوریکه با اینچنین بیاناتی مشخص شده است "ما پسرانی از بروکس (Bronx) [نام یک مکان] هستیم"» (Tanner ۲۰۰۹: ۵). "لویکا" (Lewicka) نیز در مقاله خود تعلق به مکان را به عنوان امتدادی از "من" این چنین وصف می کند: «من ممکن است به یک مکان به دلیل این که دوستانم در آن جا زندگی می کنند، یا من بهترین سال هایم را در آنجا گذراندم، یا ریشه های خانواده من از آنجاست، و بنابراین مکان برای هویت شخصی من مهم است. من همچنین ممکن است احساس تعلق کنم به دلیل اینکه این [مکان] قسمتی جدایی ناپذیر از شهری است که با آن شناخته می شوم، و بنابراین محصولی از هویت محلی است.» (Lewicka ۲۰۰۸: ۲۱۲).

۲-۳ بعد احساسی (ادراک و شناخت) تعلق به مکان

این بعد از تعلق، بر عواطف و احساسات انسانی نسبت به مکان و محیط اطراف او تأکید دارد و حس تعلق را ناشی از تعاملی بین شخص و محرک های کالبدی، اجتماعی و فعالیت ها می داند. «تعلق مکان احساسی به احساسات، اوضاع روانی و ذهنیاتی که مردم درباره مکان های مشخص دارند باز می گردد، که طبق نظرات گیولیانی (Giuliani) می تواند هم با خود مکان مرتبط است و هم با جوامعی که بوسیله آن



تعریف شده، و کمک می کنند آن مکان تعریف شود. شوماخر و تیلور (Shumaker & Taylor) تعلق را به عنوان یک پیوند عاطفی مثبت یا همبستگی بین افراد و محیط مسکونی آن ها تعریف می کنند. برای رلف (Relph) تعلق به یک مکان یک نیاز اساسی بشر است، این تا اندازه ای به این دلیل است که هویت مکان جزئی از ساختمان هویت خودی است مانند وجهی از هویت اجتماعی، یا هویت اجتماعی مرتبط با مکان. (Livingston & Bailey and Kearns ۲۰۰۸: ۱۱).

در وحله اول شخص در مواجهه با محیط کالبدی، آن را به ادراک در آورده و سپس به مرور زمان و از طریق فعالیت ها و ارتباطات، آن را به مرحله شناخت در می آورد. در این مرحله است که تصاویر ذهنی شکل می گیرند و در حقیقت یک شناسنامه تصویری از مکان در ذهن نقش می بندد. مرحله بعد احساس نسبت به مکان است که حاصل رابطه ای عاطفی و محبت آمیز با مکان است و امتداد این احساس به تعلق به مکان و در نهایت به شکل گیری هویت منجر می شود.

«یکی از نشانه های تعلق مکان که در اغلب تحلیل ها به طور موافق به چشم می خورد، عاطفه، تهیج و احساس است که هسته مفهوم اند. از این رو آرنزن (Ahrentzen) به احساسات زنان درباره خانه ها و کارشان در آنجا، اشاره دارد؛ کوپر مارکوس (Cooper Marcus) مکان های «محبوب» کودکی و بزرگسالی، و احساسات همراه با آنان را توصیف می کند؛ چاولا (Chawla) به اولویت ها، شادی ها، رضایت مندی ها، و انس با مکان ها، اشاره دارد؛ برون و پرکینس (Brown & Perkins) پیرامون در درون بودن ذهنی، احساس امنیت، تکریم، و وابستگی های همراه با مکان، صحبت می کنند؛ هیومن (Hummon) سرمایه گذاری های احساسی در مکان را توصیف می کند؛ پلو (Pellow) به حسی از خوشبختی در مکان اشاره دارد.» (Altman & Low ۱۹۹۲: ۴). بدین ترتیب احساس و عاطفه، محور اصلی شکل گیری ارتباط با محیط پیرامون است و چه در سطح فردی و چه اجتماعی این عامل احساس است که پیوند بین شخص و مکان و شخص و دیگران را از طریق ادراک و شناخت محیط می سازد.

۳-۳ تعلق کالبدی به مکان

«این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می باشد. ریجرولاوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن با عنوان ریشه داری یاد می نماید که بر این اساس فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنای تعلق به خاطر می سپارد.» (جوان فروزنده و مطلبی ۱۳۹۰: ۳۲). محیط کالبدی با برآورده کردن سطحی از نیاز های مادی و معنوی انسان، وابستگی شخص را به خود تحت تأثیر قرار می دهد. وابستگی به مکان زمانی تقویت شده و تداوم می یابد که بین نیاز های استفاده کنندگان و محیط آنان یک تطابق و تعاملی



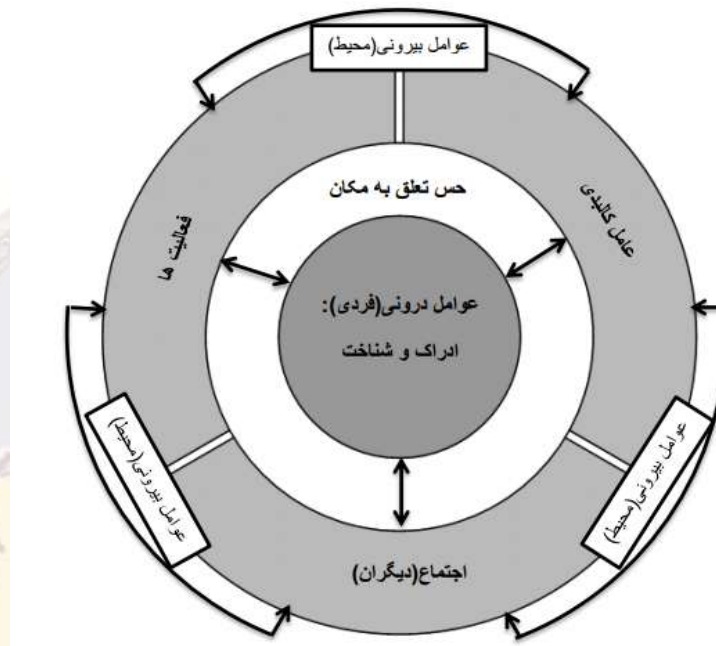
سازنده بر قرار باشد. رفع نیازها (مادی و معنوی) و تعمیم عملکردها از جمله این تعامل های انسان و مکان اند. «وابستگی مکان، یا تعلق کارکردی، به توانایی یک مکان در توانمند ساختن ما برای دستیابی به اهداف و فعالیت های مطلوب خود، بر می گردد.» (Livingston & Bailey and Kearns ۲۰۰۸: ۱). «کیفیت های کالبدی و عملکردی مکان، به عنوان قرارگاهی برای فعالیت ها و داد و ستدهای اجتماعی، درجه ای از وابستگی و تعلق به مکان را تحت تأثیر قرار می دهند.» (Ujang ۲۰۰۹: ۱۵۸).

«عناصر کالبدی محیط علاوه بر برآورده کردن سطحی از نیاز های انسانی در فرایند فعالیت ها (که خود این عامل در ایجاد وابستگی به مکان مؤثر واقع می گردد)، در تعیین هویت فردی و اجتماعی - فرهنگی شخص نقشی اساسی ایفا می کند به نحوی که راپاپورت با تأکید بر نقش مؤلفه های اجتماعی - فرهنگی در شکل گیری محیط کالبدی، با ارائه نظریه ارتباط غیر کلامی، محیط را مجموعه ای از عناصر کالبدی ثابت، نیمه ثابت و متحرک تقسیم می کند که فرد بر اساس کدها و انگاره های فرهنگی خود، معنا و مفهوم خاص خود را از محیط و عناصر آن استنباط می کند. از نگاه وی مکان در این رویکرد به یک مکان نمادین تبدیل می گردد. که در آن هریک از عناصر به صورت سمبل وار و نماد گونه، بخشی از فرهنگ اجتماعی محیط خود را نشان می دهند.» (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۱). در این بین در مطالعات کوین لینچ (لینچ ۱۳۷۶: ۱۷۸-۱۷۰) نیز بر نقش و اهمیت عوامل کالبدی در شکل گیری رابطه ای معنا دار بین شخص و مکان تأکید دارد. او با اهمیت دادن به مفاهیمی مانند: ساختار یا جهت یابی، سازگاری، شفافیت و خوانایی، بر نقش عوامل کالبدی تأکید می ورزد. عنصر دیگر معنی ساختار رسمی است که در مقیاس کوچک به معنی چگونگی ترکیب اجزاء با یکدیگر و در سکونتگاه بزرگ به مفهوم حس جهت یابی است... سازگاری، یعنی آیا شکل مجرد یک مکان با شکل مجرد فعالیت های آن و با خصوصیات جامعه ای که در آن ساکن است منطبق می باشد...؟ شفافیت یا بی واسطگی به درک مستقیم محیط توسط حواس اشاره دارد و خوانایی نیز بدین نکته اشاره دارد که تا چه میزان ساکنین یک سکونتگاه قادر به برقراری ارتباط صحیح با یکدیگر از طریق عناصر کالبدی نمادی هستند.

۴- بحث و نتیجه گیری

با توجه به آن چه که در پیرامون حس تعلق به مکان در فوق بدان اشاره گشت، به طور کلی عوامل ایجاد کننده حس تعلق را می توان به دو دسته عوامل بیرونی و درونی دسته بندی کرد. و این دسته بندی با دسته بندی دیگری که شامل فرد، محیط و دیگران است، قابل انطباق است. در حالی که عوامل بیرونی حس

تعلق شامل محیط کالبدی و نقش اجتماع و دیگران است، عوامل درونی نیز ویژگی های فردی و عوامل ادراک و شناخت را شامل می شود (شکل ۱).



شکل ۱- نمودار عوامل شکل دهنده حس تعلق به مکان در دو دسته عوامل درونی و بیرونی و آیم های آن

عامل درون فردی (ادراک و شناخت): ادراک محیط بیرونی بوسیله انسان، شناخت و واکنش احساسی و عاطفی توسط او، از مهمترین دلایل ایجاد حس تعلق به مکان است. در حقیقت معانی ای که فرد به طور آگاهانه یا ناآگاهانه از محیط دریافت می کند حاصل ادراکات اولیه و تطابق آن ها با تصاویر ذهنی اوست، که به مرحله شناخت در آمده و واکنشی عاطفی و احساسی که منجر به تعلق و وابستگی به محیط می شود را رقم می زند. به این دلیل، احساس افراد مختلف نسبت به یک مکان با تصاویر و پیشینه ذهنی متفاوت، فرق می کند. فریتز استیل (Steele) نیز نقش عامل روانی انسان را در احساس به مکان را چنین بیان می کند:

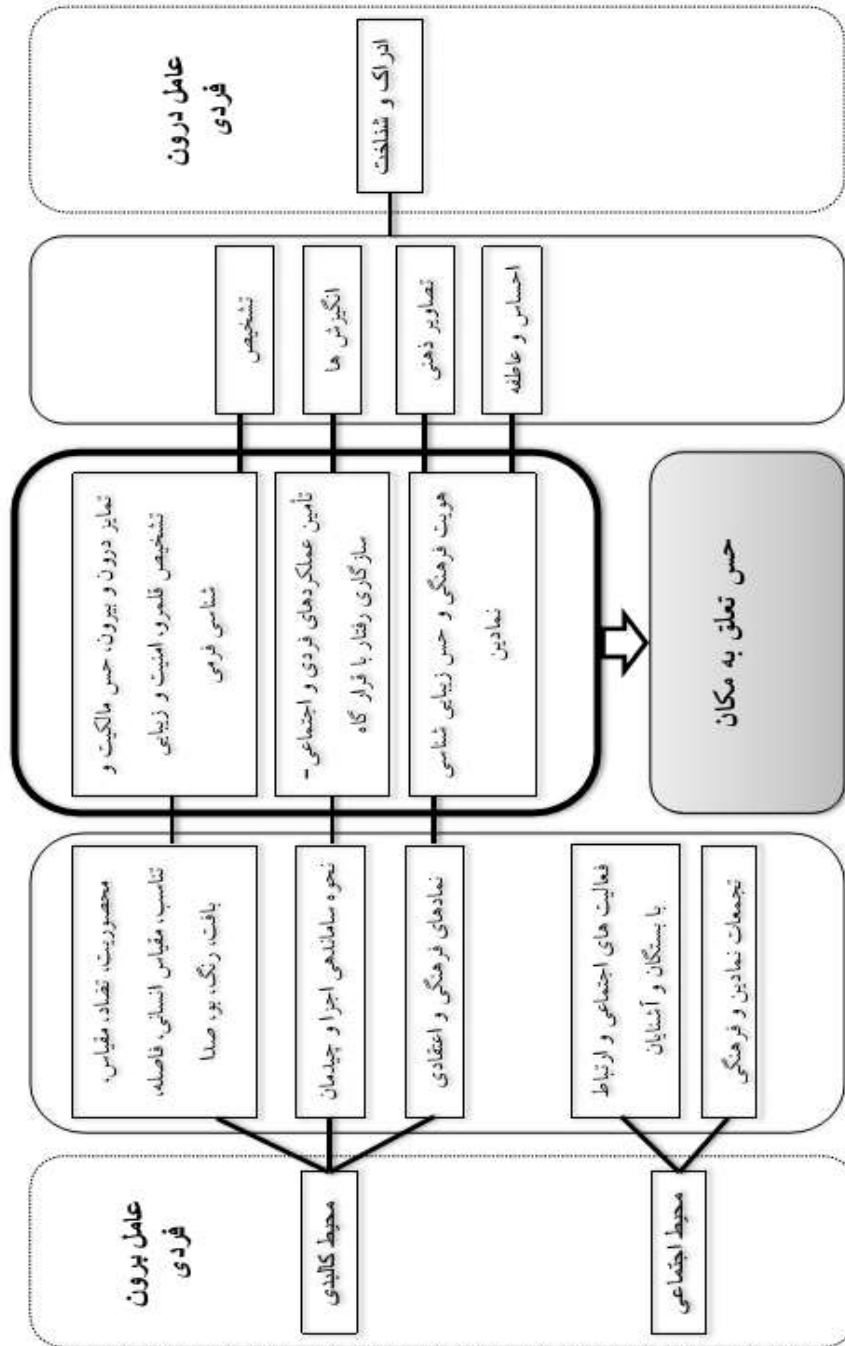
«رابطه انسان و مکان تعاملی است، یعنی انسان ها چیزهای مثبت یا منفی را به محیط می دهند و سپس از آن می گیرند. بنابراین چگونگی فعالیت های مردم در کیفیت تأثیر محیط بر آنها اثر گذار است. تصور مکان نه فقط کالبدی، بلکه روانی یا تعاملی است و حس مکان به عنوان یک تجربه از ترکیب یک مکان- رفتار و آن چه انسان به آن می دهد، به وجود می آید، به بیان دیگر برخی از چیزهایی که انسان در مکان ایجاد می کند، بدون او و مستقل از او به وجود نمی آید.» (به نقل از فلاح ۱۳۸۵: ۶۲)



عوامل بیرونی: این دسته از عوامل که از بیرون بر انسان تأثیر می گذارند، شامل دو آیتم محیط کالبدی و فعالیت (فردی و اجتماعی) می باشد. از دیدگاه فریتز استیل (steele) از عوامل مهم در حس مکان، «اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا، و تنوع بصری است.» (همان: ۶۳). این عوامل در تعریف فضایی، تمییز فضایی و تشخیص حریم ها و همچنین تمایز درون و بیرون و کنترل فضایی، نقش اساسی داشته که عاملی مهم در ایجاد حس تعلق به مکان است.

به طور کلی عوامل کالبدی در دو سطح عمده حس تعلق را تحت تاثیر قرار می دهد: «در سطح اول، عناصر کالبدی محیط با همسازی فعالیت ها از طریق تأمین و قابلیت انجام آن- و با ارضاء نیازهای فردی در درجه اول و نیازهای اجتماعی ناشی از فعالیت های گروهی در درجه بعد- امکان ایجاد این حس در مکان را فراهم می نمایند. در این سطح، ویژگی های کالبدی محیط با تسهیل فعالیت ها، منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تأمین نیازهای استفاده کنندگان از مکان، در برقراری تعلق اجتماعی محیط مؤثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء پیوندهای اجتماعی در محیط را فراهم می نمایند.» (جوان فروزنده و مطلبی ۱۳۹۰: ۳۵).

در سطح دوم، عناصر کالبدی به عنوان نمادها و هنجارهای فرهنگی، ادراک فرد را با حساس نسبت به مکان همراه کرده و با مکان پیوند می دهد. در این سطح، عناصر کالبدی تداعی کننده از خاطره ها و تصاویر ذهنی مخاطبان بوده و به صورت نمادگونه، و با یادآوری تاریخ، فرهنگ و ارزش های اجتماعی، نقش خود را ایفا می نمایند.



شکل ۲- نمودار تحلیلی عوامل درونی و بیرونی تشکیل دهنده حس تعلق به مکان



منابع:

۱- جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. هویت شهر، (۸)۵، ۳۷-۲۷.

۲- حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷). تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، ۵۰-۳۹.

۳- فلاح، محمد صادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ۶۶-۵۷.

۴- لینچ، کوین (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر. ترجمه دکتر سید حسین بحرینی. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶.

[۵] Altman, I & Low, S.M (۱۹۹۲). Place Attachment . New York: Plenum Press.

[۶] Kamalipour, H & Jeddi Yeganeh, A & Alalhesabi, M. (۲۰۱۲). Predictors of Place Attachment in Urban Residential Environments: A Residential Complex Case Study. Social and Behavioral Sciences , ۳۵ (۲۰۱۲), pp ۴۶۷ – ۴۵۹.

[۷] Livingston, M & Bailey, N and Kearns, A. (۲۰۰۸). *People's attachment to place – the influence of neighbourhood deprivation*. Chartered Institute of Housing, for the Joseph Rowntree Foundation.

[۸] Lewicka, M. (۲۰۰۸). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. Journal of Environmental Psychology ۲۸, (۲۰۰۸), pp ۲۳۱-۲۰۹.

[۹] Scannell, L & Gifford, R. (۲۰۱۰). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. Journal of Environmental Psychology ۳۰ (۲۰۱۰), pp ۱-۱۰.

[۱۰] Tanner, J. (۲۰۰۹). Place attachment and children's happiness. Primary Geographer. Sprig ۲۰۰۹.

[۱۱] Ujang, N. (۲۰۱۲). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity .Social and Behavioral Sciences , ۴۹ (۲۰۱۲), pp ۱۶۷ – ۱۵۶.